

نسبت شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی

عباسعلی رهبر ۱

سارا قنبرپور ۲

چکیده

یکی از اساسی‌ترین چالش‌های فراروی مدیریت دولتی مقوله چگونگی حفظ و ارتقای اعتماد سیاسی نسبت به سازمان‌های دولتی و حکومتی است. شفافیت به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب می‌تواند یکی از روش‌هایی باشد که مسئولان حکومتی در رسیدن به اعتماد سیاسی باید مورد توجه قرار دهند ولی توجه به نسبت بین این دو مقوله یعنی شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی مورد غفلت مسئولان قرار گرفته است. نظریه زتومکا با رویکرد نهادی خود پنج علت ساختاری برای تولید اعتماد و ظهور فرهنگ اعتماد بیان کرده است که عبارت است از: انسجام هنجاری، پایداری نظم، شفافیت سیاسی، انس و آشنایی، پاسخگویی سازمان‌ها در قبال مردم. سومین علت ساختاری از نظر زتومکا یعنی شفافیت سیاسی، که آن را عامل و زمینه‌ای ساختاری برای ایجاد اعتماد بیان می‌کند که در این مقاله مورد توجه است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و روش فراترکیب با استفاده از کتاب‌ها و مقالات و قوانین و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل آنها در صدد پی بردن به نسبت شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی می‌باشد. بنابراین سؤال اصلی این مقاله عبارت است از: بین شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی چه نسبتی وجود دارد؟ نتایج حاصل از پژوهش حاضر به رابطه‌ی مستقیم و تنگاتنگ و متقابل این دو مؤلفه اشاره دارد که به دلیل عدم وجود شفافیت در عرصه‌ی سیاست و حکمرانی و عدم دسترسی به جریان آزاد اطلاعات از مناصب حکومتی، بهینگی سیستم، حکومت و کارآمدی حاکمیت تضعیف شده و در نتیجه تعامل و مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی مردم نسبت به حکومت‌ها تنزل می‌یابد.

۱. دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی . aa.rahbar@atu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام. دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)
sara.ghb1993@gmail.com

واژگان کلیدی: اعتماد سیاسی، شفافیت سیاسی، حکمرانی خوب، فراترکیب،
بهینگی سیستم، کارآمدی، مشارکت سیاسی



مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم کشورهای غربی در پی ترمیم خرابی‌ها و توسعه کشورهای آسیب دیده از جنگ برآمدند. در این زمینه سه رهیافت مطرح شد: رهیافت دولت بزرگ، رهیافت دولت کوچک، الگوی حکمرانی خوب. برای اعمال حکمرانی خوب نهادهای بین‌المللی شاخص‌هایی را مطرح کردند. هر اندازه کشوری به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد توسعه یافته‌تر به حساب می‌آید. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، مشارکت، شفافیت، کارایی و اثربخشی، اجماع محوری، عدالت و انصاف، مسئولیت‌پذیری و کنترل فساد. از بین این شاخص‌ها شفافیت یک بستر نظارتی است که حس دیده شدن توسط عموم مردم را به وجود می‌آورد. وقتی این حس به وجود بیاید، مسئولان رفتارشان تغییر می‌دهند و کاهش انحرافات و فساد در عرصه‌ی حکمرانی رخ می‌دهد. پس شفافیت سیاسی قرار گرفتن اطلاعات حکومتی و سیاسی در اختیار مردم است که منجر به ایجاد اعتماد در مردم می‌شود. این اعتماد در واقع احساسی است که افراد یک جامعه در مورد رهبران سیاسی خود دارند و کارکرد اثربخش سازمان‌های سیاسی در جامعه به میزان اعتماد مردم به این سازمان‌ها بستگی دارد. در واقع اعتماد سیاسی درک عمومی ناظر بر سیاست و ارزیابی مردم از چگونگی انجام وظایف دولت در مقایسه با انتظارات آنها از کارایی دولت است و دو بعد اعتماد سیاسی، اعتماد به نهاد دولت و اعتماد به کارگزاران دولت می‌باشد و ادراک شهروندان از میزان شفافیت سازمان و نهادهای سیاسی می‌تواند موجب تقویت یا تضعیف تصویر ذهنی شهروندان و در نتیجه اعتماد بیشتر یا کمتر آنها به سازمان‌های سیاسی و حکومتی باشد. توجه به رابطه‌ی بین شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی در هر نظام حکومتی امری مهم و ضروری است چرا که منجر به همراهی مردم با نظام سیاسی در صحنه‌های ملی و بین‌المللی خواهد بود. در واقع از آنجا که مسئولین و به طور کلی حاکمیت، نماینده مردم برای اجرای احکام هستند شفافیت اطلاعات عمومی، برای مردم به عنوان یک حق قانونی تلقی می‌شود. حکومت‌ها همواره به ارتباط متقابل مردم و حکومت در راستای ایجاد حس اعتماد تأکید داشته و یکی از

کانون‌های توجه مسئولان، ایجاد حس اعتماد سیاسی در مردم بوده است که به روش‌های مختلف سعی در افزایش آن داشته‌اند. بنابراین هدف اصلی این مقاله کاربردی بوده و در راستای افزایش کارآمدی حکومت می‌باشد. در مقاله حاضر با بررسی نسبت شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی در حکومت‌ها به دنبال آن هستیم که رسیدن به وضعیت مطلوب را از طریق رابطه این دو مؤلفه نشان دهیم. بر این اساس در این مقاله ابتدا چارچوب نظری به طور کامل بررسی می‌شود و در قسمت بعد پیشینه پژوهش بررسی می‌شود. در ادامه شاخصه شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی و وضعیت این دو مؤلفه بررسی می‌شود و در نهایت نسبت بین این دو مؤلفه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

در سال‌های اخیر با رشد تحقیقات در حوزه‌های مختلف علوم و مواجه شدن جامعه علمی با انفجار اطلاعات، اندیشمندان در عمل به این نتیجه رسیده‌اند که اطلاع و تسلط بر تمامی ابعاد یک رشته و بهروز بودن در این زمینه تا حدود زیادی امکانپذیر نیست، لذا انجام پژوهش‌های ترکیبی که عصاره تحقیقات انجام شده در یک موضوع خاص را به شیوه نظام مند و علمی فراروی پژوهشگران قرار می‌دهد، به طور روزافزون گسترش یافته است. یکی از روش‌هایی که به منظور بررسی و ترکیب و آسیب شناسی تحقیقات گذشته در چند سال گذشته معرفی شده است، فرامطالعه است. فرامطالعه یک تجزیه و تحلیل عمیق از کارهای تحقیقاتی انجام شده در یک حوزه خاص است. فرامطالعه به دو بخش فراترکیب و فراتحلیل تقسیم می‌شود. در سال‌های گذشته بیشتر از فراتحلیل نام برده شده است که نوعی فرامطالعه کمی است و بر روی نتایج تحقیقات گذشته انجام می‌گردد. این فرامطالعه اگر به صورت کیفی و بر روی مفاهیم مورد استفاده در مطالعات گذشته انجام گیرد به نام فراسنتز یا فراترکیب شناخته می‌شود. استفاده از روش فراترکیب، مشابه فراتحلیل برای یکپارچه سازی چندین مطالعه به منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری استفاده می‌شود (Zimmer, 2006; p311-318) در این مقاله با روش

فرا ترکیب تلاش کرده‌ایم مطالعات، تحقیقات و آمارهای موجود درباره‌ی شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی را در حکومت‌ها جمع‌آوری کرده و با بررسی وضعیت این دو معقوله به نسبت میان آن‌ها پی ببریم. تحقیقات پیشین معمولاً وضعیت شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند که در این مقاله با جمع‌آوری این مطالب با استفاده از روش فرا ترکیب درصدد پی بردن به نسبت میان شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی هستیم. بر این اساس روش فرا ترکیب، روشی است که در سال ۱۹۸۸ توسط نوبلیت و هاره ارائه شده است. این روش هفت مرحله دارد. (Noblit, Hare, 1988) ما نیز در این تحقیق طبق این هفت مرحله پیش رفته‌ایم. برای روشن شدن این روش به بیان مراحل می‌پردازیم. مرحله اول عنوان تحقیق می‌باشد. عنوان تحقیق «نسبت شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی در حکومت‌ها می‌باشد» و با طرح پرسش چه نسبتی میان شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی وجود دارد؟ درصدد پاسخ‌گویی هستیم. حیطه شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی برای تعریف، توضیح، بیان معیارها و شاخصه‌های آن، راهکارهای افزایش، دلایل ضعف این شاخصه‌ها و... بسیار وسیع است. ما در این تحقیق به دنبال رسیدن به رابطه‌ی این دو شاخصه هستیم. بنابراین به تدوین سؤال پژوهش پرداختیم. سؤال اصلی مقاله حاضر عبارت است از «رابطه‌ی میان شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی در حکومت‌ها چگونه است؟» مرحله دوم انتخاب مطالعات واجد شرایط برای پاسخ به سؤال می‌باشد. همان‌طور که گفتیم حوزه‌ی مطالعات وسیعی وجود دارد و ما نیز در تلاش هستیم همه منابع، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های معتبر را جست‌وجو کرده و با مطالعه آن‌ها منابعی که ارتباط مستقیم با موضوع دارند و ما را در رسیدن به پاسخ کمک می‌کنند را در این مقاله به کار ببریم. پس به بررسی جامع ادبیات پژوهش می‌پردازیم و با شناسایی واژگان کلیدی یعنی شفافیت سیاسی، اعتماد سیاسی، وضعیت شفافیت سیاسی در حکومت، وضعیت اعتماد سیاسی در حکومت، حکمرانی خوب، کارآمدی و... به جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مانند sid, ansani, noormags و همچنین منابع کتابخانه‌ای و نظر سنجی‌ها و قوانین موجود در این زمینه به اطلاعاتی دست پیدا

کردیم. مرحله سوم شناسایی مفاهیم کلیدی و مضمون می‌باشد. با مطالعه منابع استخراج شده و مفاهیم کلیدی که وجود دارد، به جزئیات هر یک از مطالعات انتخاب شده، تمرکز کردیم و با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای بین مطالعات به گزینش بخش‌های کاربردی مطالعات در این تحقیق دست زدیم. پس مرحله سوم به کد گذاری و ارزیابی مطالعات برای امکان پذیری در نتیجه‌گیری پرداختیم که از مجموع اطلاعات، مقالات و یافته‌هایی که از طریق واژگان کلیدی در سایت‌ها و منابع معتبر کسب کردیم کدام یک برای پژوهش حاضر باید حفظ شود و کدام یک باید حذف گردد که در واقع نوعی غربالگری صورت گرفت. مرحله چهارم توجه و بررسی مطالعات با یکدیگر است که تلاش کردیم تا با تعیین ارتباط بین مطالعات و استخراج مفاهیم کلیدی هر یک از مطالعات و کنار هم گذاشتن آنها مطالبی را استخراج کنیم که با موضوع و سؤال پژوهش ما هماهنگ باشد. پس به بررسی زمینه‌های پژوهش‌های مورد استفاده پرداختیم و زمینه‌های هر یک را مشخص و اقدام به ترکیب و ویرایش یافته‌ها و تجزیه و تحلیل پرداختیم. مرحله پنجم میان مفاهیم کلیدی ارتباط برقرار کرده و نوعی مقایسه صورت گیرد. مرحله ششم که از مطالعات اولیه یک کل ایجاد کردیم. از مطالعات مورد نظر در این زمینه تعاریف، راهکارها، عوامل و... ذکر شده بود که در مقاله حاضر و در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد و بیان خواهد شد که در راستای این اشارات می‌توان نسبت این دو معقوله را کشف کرد. مرحله هفتم که مرحله آخر می‌باشد نتایج تحقیق است و در انتها آنچه که طی فرآیند تحلیل کیفی به دست آمده را بدون پیش داوری ارائه کردیم. ما در این مقاله سعی کردیم تمام مراحل را همان‌گونه که بیان شد طی کنیم تا بتوانیم نتایج تحقیق را بازگو کنیم. مراحل بیان شده در ادامه تحقیق دنبال شده و بیان می‌شود. بنابراین یافته‌ها به این شرح می‌باشد:

چارچوب نظری

برای رسیدن به نتایج این پژوهش به نظریه نهادی و رویکرد زتومکا تأکید داریم. در نظریه زتومکا به پنج ساختاری علت اعتماد برای تولید و ظهور فرهنگ

اعتماد پرداخته شده است. اولین علت ساختاری از سجام هنجاری که متضاد آن هرج و مرج هنجاری است. هنجارها، حیات اجتماعی را آسان‌تر، منظم‌تر و پیش‌بینی پذیرتر می‌سازند. چون آنها طرح‌های ثابتی هستند که باید‌ها و نبایدها را در جامعه مشخص می‌کنند. احساس امنیت و قطعیت وجودی شرایط اعتماد پیش‌بینانه را تقویت می‌کند. علاوه بر آن، هنجارهای قابل اجرایی هم وجود دارند که تناسب و ارتباط مستقیم‌تری با اعتماد دارند که مستلزم صداقت، وفاداری و کنش متقابل‌اند. دومین علت ساختاری که با اعتماد ارتباط دارد، پایداری نظم اجتماعی و متضاد آن تغییر بنیادی است. اگر شبکه گروه‌ها، انجمن‌ها و نظام‌ها، نهادها، سازمان‌ها با دوام، پایدار و مستمر باشند، می‌توانند مرجع محکمی برای زندگی اجتماعی، احساس امنیت، حمایت و آسایش فراهم کنند. سومین عامل و زمینه ساختاری اعتماد مربوط به شفافیت سازمان اجتماعی و متضاد آن رازداری و پنهان‌کاری گسترده سازمان است. دسترسی به اطلاعات مربوط به عملکرد، کارایی، سطوح پیشرفت و نیز ناکامی‌ها و آسیب‌شناسی‌های گروه‌ها، انجمن‌ها، نهادها، سازمان‌ها و نظام‌ها نوعی احساس امنیت و پیش‌بینی پذیری به وجود می‌آورد. اگر ساختار، علت وجودی، اصول فعالیت، صلاحیت و نتایج این سازمان‌ها قابل مشاهده باشند، آزادانه گزارش شوند، برای نظارت و بازبینی در دسترس باشند و درک آنها آسان باشد، آنگاه مردم حاضر خواهند بود به گونه‌ای معتمدانه با آنها ارتباط برقرار کنند. افزون بر این، مردم دلگرم می‌شوند که توقعات‌شان برآورده خواهد شد. چهارمین عامل ساختاری انس و آشنایی، یا متضاد آن، بیگانه بودن محیطی است که مردم در آن دست به کنش می‌زنند. پنجمین شرط ساختاری مربوط به پاسخگویی سازمان درقبال مردم یا دیگر نهادها و سازمان‌ها است که درمقابل این، خودسری و مسئولیت‌ناپذیری قرار می‌گیرد. پاسخگویی نشانه‌ای برای ایجاد اعتماد به شمار می‌آید. اگر سازمانی غنی، در دسترس و دارای نهادهایی با کارکرد مناسب باشد که استانداردها را تعیین کند خطر سوءاستفاده کاهش می‌یابد و نیز تضمین و انتظام رویه افزایش می‌یابد. اگر مردم زمانی که حقوقشان توسط سازمان به رسمیت شناخته نشده یا تعهدات در برابر دیگران نا دیده گرفته شده باشد، در آن صورت

می‌توانند در مقام حل مشکل به چنین نهادهایی متوسل شوند، در نتیجه احساس امنیت بیشتری خواهند کرد (زومکا، ۱۳۸۴: ۲۱۶_۲۲۳) زومکا، صرف‌نظر از تشریح فرهنگ اعتماد و ساختار مرتبط با آن، اعتماد را مبتنی بر سه عنصر حسن شهرت، کارآمدی و ظواهر نیز می‌داند. حسن شهرت عبارت است «از ثبت عملکرد کنشگران در دو سطح فردی و نهادی». زومکا کارآمدی را این‌گونه تعریف می‌کند: «کارآمدی متوجه کردار واقعی، رفتار حال حاضر و نتایج به دست آمده فعلی امین است. به عبارت دیگر، کارآمدی به عملکرد و وضعیت حال حاضر فرد و سازمان برمی‌گردد». منشأ سوم اعتماد از این دیدگاه ظاهر افراد است. داشتن ظاهر مناسب نیز می‌تواند منبع اعتماد باشد (زومکا، ۱۳۸۴: ۷۱).



شکل ۱_ مدل اعتماد زتومکا



پیشینه‌ی پژوهش

موضوع شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی با رویکردهای گوناگون در پژوهش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در یک تقسیم‌بندی می‌توان بیان کرد که پیشینه پژوهش در عرصه شفافیت به دو بخش نظری (آکادمیک) و عملیاتی تقسیم می‌شود. در بخش نظری پژوهش‌هایی با رویکردهای مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، حسابداری، مالی و... به بحث شفافیت پرداخته‌اند. یکی از منابع مهم پژوهشی که در حوزه شفافیت انجام شده است کتاب "شفافیت و پاسخ‌گویی" است. این کتاب به بررسی جایگاه و اهمیت شفافیت در پارلمان می‌پردازد. این کتاب با همکاری پارلمان اندونزی و بخش برنامه و توسعه سازمان ملل تألیف شده است. نیاز به اختیار قرار دادن اطلاعات عمومی به مردم، گزارش فعالیت‌های پارلمان و نقش آژانس عالی ارزیابی اندونزی در گسترش شفافیت در پارلمان اندونزی، اهمیت قانون دسترسی آزاد به اطلاعات عمومی، اهمیت شفافیت و پاسخ‌گویی پارلمان به عموم، دسترسی به اسناد مالی نمایندگان و گزارش عملکرد آنان و راه‌حلی برای رسیدن به یک پارلمان شفاف و پاسخ‌گو ارائه شده است. در این کتاب راه‌های رسیدن به شفافیت بیان شده و به نسبت شفافیت و اعتماد سیاسی پرداخته و بیشتر در جهت بررسی نسبت شفافیت و پاسخ‌گویی می‌باشد. پژوهش دیگر در این زمینه با عنوان "بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب توسط یزدانی ز نور در سال ۱۳۸۸" صورت گرفته است که نقش شفافیت در ذیل حکم رانی مطلوب به عنوان بستری مساعد برای برخورداری از حقوق بشر و مکانیسم‌های ایجاد و تداوم شفافیت بررسی شده است. در این پژوهش به نقش اعتماد سیاسی اشاره نشده است. در پژوهش دیگر که توسط صفیری و نصیری در سال ۱۳۸۹ صورت گرفته است "شفافیت را از مهم‌ترین عناصر نیل به حکمرانی خوب" به شمار می‌آورند و همچنین پژوهشگران بیان می‌کنند که از نقش‌های مهم شفافیت کمک به ارتقای پاسخ‌گویی است. در این پژوهش به تفصیل جزئیات نحوه تأثیر شفافیت در برقراری حکمرانی مطلوب و نقش آن در ارتقای حقوق بشر بحث شده است. در این پژوهش بحث اعتماد سیاسی مطرح

نشده است و بیشتر شفافیت را در راستای مؤلفه‌ی حکمرانی خوب بررسی کرده است. "کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی" که پژوهش دیگر در زمینه شفافیت می‌باشد توسط ساریخانی و اکرمی سراب در سال ۱۳۹۲ به نقش پیشگیرانه شفافیت در ساختار اداری و بین کارگزاران حکومت می‌پردازد. وی در مقاله بیان می‌کند که شفافیت فرآیندها در امور دولتی و عملکرد مجریان سبب می‌گردد که ارتکاب فساد و سوءاستفاده از موقعیت کاهش پیدا کند و از سوی شبیه و شایعاتی که زمینه کژروی شهروندان را فراهم سازد جلوگیری می‌کند. در این پژوهش تلاش شده است با بررسی مستندات دینی و مبانی نقش شفافیت در کاهش فساد و بزهکاری قضایی مشخص شود. این پژوهش به رابطه‌ی شفافیت و کنترل فساد اشاره دارد و نقش اعتماد را بررسی نکرده است. پژوهش دیگر با عنوان "اثر شفافیت بر کنش‌های اقتصادی" توسط حصارزاده در سال ۱۳۹۱ بیان می‌دارد که شفافیت یکی از ویژگی‌های اصلی و بارز سیاست‌گذاری‌های پولی شده است. در این پژوهش از منظری اقتصادی و از منظر سیاست‌گذاری مالی و پولی بحث شفافیت را در حوزه‌ی شرکت‌های مالی و همچنین بازار سرمایه بررسی می‌کند. در این تحقیق شفافیت رویکرد اقتصادی دارد و از جنبه سیاسی بررسی نشده و به بحث اعتماد سیاسی نیز اشاره نشده است. در زمینه اعتماد سیاسی پژوهشی با عنوان "اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی" که در سال ۱۳۸۹ توسط زاهدی انجام شده است. نتیجه حاکی از این بود که نحوه عملکرد و میزان جلب اعتماد مردم به وسیله‌ی بوروکراسی‌ها می‌تواند معیار یا ملاکی برای ارزش‌گذاری و تعیین اعتماد سیاسی باشد. در این پژوهش به طور صریح به روش جلب اعتماد مردم به بوروکراسی‌ها که می‌تواند شفافیت باشد یا خیر اشاره نشده است. در پژوهش دیگر که توسط طالبی در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته متغیر وابسته اعتماد سیاسی است میانگین کلی اعتماد سیاسی در میان پاسخ‌گویان ۳۷ درصد است و میانگین هریک از ابعاد سیاسی به ترتیب برای نظام سیاسی ۴۵/۳ اعتماد به کنشگران سیاسی ۳۱/۲ و اعتماد به نهادهای سیاسی ۳۴/۶ درصد است همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین اعتماد سیاسی و دین‌داری رابطه مثبتی وجود دارد و نظریه خرد نهادی بیشتر

می‌تواند اعتماد سیاسی را توضیح دهد. این پژوهش توجه غالب خود را بر رابطه اعتماد سیاسی و دین داری در ایران گذاشته تا اعتماد سیاسی و شفافیت. در تحقیق دیگری با عنوان "اعتماد سیاسی در پنج کشور پیشرفته" عواملی مانند اعتماد به سیستم سیاسی، اعتماد به برون‌دادهای سیستم، اعتماد به درون‌دادهای سیستم بررسی شده است. نتایج حاکی از آن بود که بیشتر افراد تحصیل کرده نسبت به سیستم سیاسی نگاه چندان مثبتی ندارند و اعتماد سیاسی در میان کشورهای مختلف متفاوت است. در این پژوهش به نقش شفافیت در کاهش اعتماد سیاسی توجه نشده و بیشتر شاخصه‌ی اعتماد در میان تحصیلکردگان ملاک بوده است. تحقیق دیگری با عنوان "منشأ اعتماد سیاسی چیست؟" عواملی نظیر فرهنگ، جامعه پذیری افراد، ارزیابی عملکرد دولت، سطح تحصیلات و اندازه شهر در آن بررسی شده است. نتایج این طور بیان گردید که عوامل مختلفی همچون عوامل فرهنگی، ساختار اجتماعی، میزان جامعه پذیری و عملکرد سیاسی از مقوله‌های اصلی در موضوع اعتماد هستند. در این پژوهش به نقش شفافیت سیاسی در راستای ارتقای اعتماد سیاسی توجه نشده است.

شفافیت سیاسی

شفافیت، مفهوم وسیعی است که در بخش‌های مختلفی اعمال می‌گردد. شفافیت سازمانی، شفافیت مالی و حسابداری، شفافیت اقدامات و مسئولیت‌های دولت، شفافیت اسنادی. حق دسترسی به اسناد و اطلاعات دولتی پشتوانه نظری عمیقی دارد. علاوه بر اینکه یکی از حقوق بنیادین بشری است. به طوریکه تحقق کامل حق دسترسی به اطلاعات بدون وجود شفافیت بی‌معناست و برای دستیابی به این حق، گریزی جز شفافیت در لایه‌های مختلف سازمانی وجود ندارد. به عبارت دیگر، یکی از جلوه‌های مهم اصل شفافیت، دسترسی به اسناد و اطلاعات دولتی است. شفافیت در مقابل پنهان و پنهانکاری به کار می‌رود. به عبارت ساده‌تر، هر چیزی که از دید عموم پنهان نباشد معنای شفافیت را می‌رساند. (چمبر، ۲۰۰۵: ۲۳) سازمان بین‌المللی شفافیت در تعریف شفافیت چنین می‌گوید: شفافیت اصلی است که افراد بتوانند از تصمیمات اداری، معاملات تجاری و امور خیریه‌ای که

زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه فقط از اصل موضوع، تعداد موضوع‌ها، و از شیوه‌های تصمیم‌گیری آنها مطلع گردند؛ بلکه وظیفه و تکلیف مستخدمان دولتی و مدیران دولتی این است که رفتار آنان قابل رؤیت، قابل پیشبینی، و قابل درک باشد. (کریستوفر، ۲۰۰۶: ۲۳۳) شفافیت مورد نظر ما در این پژوهش عبارت است از: باز بودن نحوه کار داخلی سازمان دولتی و تصمیمات آنها برای اشخاص ثالث، خواه این اشخاص در آن سازمان باشند و خواه نباشند. (پاسکو و وایلیو، ۲۰۰۷: ۷) شفافیت سیاسی به معنای باز بودن حکومت و دولت است، زیرا بیشتر حکومت‌ها ترجیح می‌دهند که امورشان را در خفا بگذارند. حتی دولت‌های دموکراتیک ترجیح می‌دهند که بیشتر اقدامات خود را دور از چشم جامعه انجام دهند و برای این کار خود (پنهانکاری) همواره دلایل و توجیهاتی دارند. بیشتر دولت‌ها به جای آنکه خود را امانتدار و نگهداری‌کننده اطلاعات بدانند، خود را مالک اطلاعات رسمی فرض می‌کنند. (۴-۱۹: ARTICLE ، ۱۹۹۹) باز بودن حکومت بدین معنی است که صاحب منصبان و دولتمردان تمامی تصمیمات و اقدامات خود را به اطلاع مردم رسانیده و در مرحله‌ی قبل از آن نیز بحثها و مذاکرات خود را به صورت علنی و به دور از اختفا و پنهانکاری پیگیرند و همچنین به بیان مبانی و دلایل تصمیمات متخذه خود بپردازند. پس تمام تصمیماتی که توسط نهادها و مؤسسه‌های عمومی و دولتی گرفته می‌شود، منطبق بر قوانین و مقررات صورت گرفته و تمامی اسناد اطلاعات مربوط به راحتی دردسترس شهروندان قرار گیرد؛ خواه آنهایی که از این اقدامات و تصمیمات مقامات و نهادهای دولتی متأثر می‌شوند و خواه آنهایی که به عنوان شهروند در جامعه مدنی متأثر از این تصمیمات نیستند. پس می‌توان به این نتیجه رسید که شفافیت خود هدف نیست، بلکه ابزار و وسیله‌ای است برای تحقق حکمرانی خوب که از این طریق مدیریت دولتی را پاسخگو نگهداشته و با نشر اطلاعات و عینی نمودن اقدامات باعث کاهش فساد در نظام خدمات عمومی می‌گردد (ناعمه، ۱۳۹۰: ۱۱) در علم سیاست، شفافیت به معنای این است که با اطلاعاتی که دولت در اختیار شهروندان قرار می‌دهد، به آنها امکان می‌دهد تا از آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند، آگاه شوند (یزدانی، ۱۳۸۴: ۳۰). هدف از شفافیت،

اجازه دادن به شهروندان، بازار و گروه‌ها برای پاسخگو نگه داشتن در قبال سیاست‌ها و عملکردها است. بنابراین شفافیت را می‌توان به منزله اطلاعاتی دانست که توسط نهادها منتشر می‌شوند و ارزیابی این نهادها را آسانتر و روشنتر می‌سازند. (ضمیری و نصیری حامد، ۱۳۸۹) شفافیت یک اصطلاح سیاسی است که شکل حقوقی نیز به خود گرفته است. (برگ، ۲۰۰۰) شفافیت از لایه‌های مختلفی تشکیل شده و در زمینه‌های مختلف پیچیدگی‌های خاصی پیدا می‌کند. باید بیان کرد که بصیرت، دانش و دسترسی عمومی به اطلاعات موجود در سازمان‌های عمومی مهم‌ترین عناصر مشخصه شفافیت هستند. (تومی، ۱۹۹۶). یک نظام اداری و قانونگذاری شفاف نظامی است که امکان بصیرت را برای شهروندان خود فراهم آورد که این امر از طریق دسترسی مردم به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی میسر می‌شود (برگ، ۲۰۰۰) پاسخگویی و شفافیت، پایه‌های لازم اجرای نظارت مردم سالارانه هستند که بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی را به تمرکز بر نتایج، پیگیری اهداف روشن، توسعه راهبردهای مؤثر، نظارت بر عملکرد و گزارش آن وادار می‌کنند. شفافیت شامل تسهیل دستیابی شهروندان به اطلاعات و درک سازوکارهای تصمیم‌گیری توسط آنان است. شفافیت بخش دولتی با استفاده از استانداردهای واضح و دستیابی به اطلاعات شروع می‌شود (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲). آرمسترانگ شفافیت را در دستیابی بدون مانع شهروندان به اطلاعات معتبر و مؤثر و به هنگام از تصمیمات و عملکرد بخش دولتی در نظر می‌گیرد. (آرمسترانگ، ۲۰۰۵) طبق تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل: شفافیت عبارت است از آشکار بودن مبنای تصمیمات حکومتی و سازوکارهای حاکم بر توزیع قدرت و درآمد که به عنوان مؤثرترین ابزار مبارزه با فساد برای استقرار دولتی کارا و ایجاد جامعه‌ای پایدار به کار می‌رود. بر این اساس در مقاله‌ی حاضر این تعاریف از شفافیت سیاسی مورد توجه است.

مبانی شفافیت سیاسی

چند ضرورت مهم توسعه شفافیت سیاسی که می‌توان به آن تأکید کرد:

۱. دموکراسی و حکمرانی خوب: مهم‌ترین و عقلانی‌ترین دلیل برای شفافیت آن

است که مشارکت فعال شهروندان را در امور سیاسی و اجتماعی تقویت می‌کند. شفافیت، یکی از شروط اساسی برای جهت‌گیری اراده اشخاص است که این اراده، برای ایجاد جامعه مردم سالار نقش حیاتی دارد. این مبنای شفافیت بر نظریه‌های دموکراسی مشورتی تکیه دارد که معتقدند شفافیت باید شامل طیف وسیعی از ساز و کارهایی باشد که مشارکت شهروندان در سیاستگذاری‌ها از طریق دسترسی مؤثر به روندها و برآیندهای سیاستگذاری و اظهار نظر در آنها را ممکن می‌سازد. (ورهنون، ۲۰۰۰: ۵) شفافیت، به عنوان یکی از عناصر حکمرانی خوب، از آن رو اهمیت دارد که جلب اعتماد عمومی به نظام حاکم، بدون وجود آن امکان پذیر نیست. در واقع، وجود شفافیت شرط لازم برای کسب اعتماد عمومی نسبت به دستگاه حاکم و شیوه اداره کشور است. در همین ارتباط، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای اساسی حکمرانی خوب را شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون، و انعطاف پذیری می‌داند. (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۶۲) بنابراین، شفافیت به عنوان یکی از عناصر اساسی حکمرانی خوب، حضور مردم را در توسعه و اجرای نظم عمومی تشویق می‌کند. برای اینکه مردم فعال‌تر در حکمرانی و اداره کشور شرکت کنند، باید به اطلاعات با کیفیت بهتر و کمیت بیشتر دسترسی پیدا کنند که این امر با توسل به ابزار شفافیت اسنادی میسر می‌شود. در حقیقت، شفافیت فعالیت‌های دولت یک وضعیت لاینفک از حکمرانی خوب و مشارکت فعال شهروندان است. بنابراین، شفافیت، به عنوان یک ابزار قصد دارد روابط میان مقامات عمومی و عامه را توسعه دهد تا میان اطلاعات ایجاد شده توسط دولت و آنچه در اختیار شهروندان است توازنی قوی برقرار نماید، تا این امر زمینه‌ای برای تحقق دموکراسی و مشارکت مردم در اداره امور کشور باشد. زیرا اطلاعات یکی از حیاتی‌ترین مسائل برای بقای دموکراسی است. اگر مردم از آنچه در جامعه در حال وقوع است، اطلاع نداشته باشند و اقدامات حاکمان از دیده‌ها پنهان باشد، مردم قادر به ایفای نقشی معنادار در امور اجتماعی نخواهند بود. (ARTICLE , ۱۹۹۹ , ۱۹:). در همین ارتباط حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر چنین می‌فرمایند: " پنهان بودن از شهروندان طولانی نگردد، چرا که پنهان بودن

زمامداران از شهروندان، شاخه‌ای از کم‌اطلاعی و تنگ‌خویی است، و پنهان شدن شهروندان، زمامداران را از دانستن آنچه از آنان پوشیده است، باز می‌دارد. پس کار بزرگ نزد آنان خرد به شمار آید و کار خرد، بزرگ نماید؛ زیبا زشت شود و زشت زیبا شود" (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۴۷۳)

۲. پیشگیری و مبارزه با فساد: دومین ضرورت شفافیت سیاسی جلوگیری از فساد اداری است. فساد اداری را می‌توان به سوء استفاده از موقعیت عمومی برای نیل به نفع شخصی تعریف کرد. مصادیق بارز فساد عبارتند از: سوء استفاده از موقعیت اداری یا نقض مقررات برای کسب منافع شخصی خود یا افراد دیگر، خویشاوند گماری، رشوا و ارتشاء، پولشویی، تصاحب دارایی‌های نامعلوم، تصاحب و کنترل دارایی به وسیله‌ی خویشاوندان، پنهان سازی اموال نامشروع، تشویق و تحریک فرد دیگر برای انجام این اعمال، و خرید رأی (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۸) دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسه‌های عمومی در قالب شفافیت علاوه بر فراهم نمودن امکان نظارت مردم بر عملکرد مدیران دولتی و عمومی، ابزار مهمی برای مبارزه با فساد اداری و حتی یک عامل بازدارنده برای توسعه فساد است؛ زیرا به عنوان مثال، وقتی میزان بودجه کشور، نحوه تخصیص آن به دستگاه‌های دولتی و چگونگی مصرف آن، و قراردادهایی که این دستگاه‌ها با اشخاص مختلف و به مناسبت‌های مختلف منعقد می‌کنند، شفاف و در دسترس عموم باشد بسیاری از زمینه‌های فساد اداری و مالی از بین می‌رود. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران "شفافیت و آزادی اطلاعات اصلی‌ترین روش برای جلوگیری از فساد، کشف فساد و حمایت از تمامیت حکومت است" (فرانلک، ۲۰۰۱). همچنین، شفافیت زاینده عناصری چون سیاست‌های دسترسی به اطلاعات و فعالیت‌های رسانه‌ای سالم و مستقل و آزاد است. رسانه‌های آزاد، در پرتو شفافیت، نه فقط برای افشای فساد و پاسخگو کردن مقامات عمومی و آموزش عموم و القای تدریجی انتظار سلامت اداری، علاوه بر این که ابزار قدرتمندی هستند؛ بلکه عامل بازدارندگی فساد نیز محسوب می‌شوند (ناعمه، ۱۳۹۰: ۱۸) بنابراین، سنتی‌ترین علت نیاز به شفافیت جلوگیری از بروز فساد اداری و مبارزه با آن است. تا جایی که مرکز پژوهش‌های مجلس در اظهار نظر کارشناسانه درباره

لایحه آزادی اطلاعات، مهم‌ترین هدف آن را مبارزه با فساد اداری قلمداد کرده است. در این گزارش چنین آمده است: «مهم‌ترین هدف قانون آزادی اطلاعات مبارزه با فساد ریشه‌دار و مصیبت بار اداری در کشور از طریق شفاف سازی امور دولتی است که در صورت اجرای ناصحیح قانون ممکن است به گسترش بیشتر و عمیق تر فساد اداری منجر شود»

۳. معقولیت در تصمیم‌گیری عمومی: سومین توجیه یا ضرورت شفافیت که بیشتر رویکردی معرفت‌شناسانه دارد، معقولیت در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی است. تمایل به ارتقای معقولیت، کارشناسی و کارآیی در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی از نتایج شفافیت است. علنی بودن و به ویژه پاسخگویی در برابر انتقادات، شرکت‌کنندگان در بحث را تشویق می‌کند تا در باورها و استدلال‌های خود و بیان دقیق موضع خود و دفاع از آن بیشتر دقت کنند. در حقیقت، اجبار به بحث در ملا عام، معمولاً از آن در برابر استدلال‌های نامنتظره مخالف، در نظر گرفتن دیدگاه‌های مخالف، آشکار کردن مراحل استدلالی که فرد به کار گرفته، و اظهار صریح اصولی را که فرد به آنها متوسل می‌شود ضروری می‌سازد (چمبرز: ۳) افزایش عقلانیت، ابعاد مشورتی و کارآمدی فرآیندهای تصمیم‌سازی و در نتیجه اعتماد عمومی به حکومت در گرو شفاف سازی حکومت است. زیرا حاکمان پاسخگو یعنی حاکمانی که می‌توان از آنها خواست تا فعالیت‌های خود را به مردم توضیح دهند بیشتر می‌توانند به تصمیمات بهتر و منطقی‌تر، آن هم با روش‌های مؤثرتر، نایل شوند. (ورهوئون، ۲۰۰۰: ۲)

دلایل مقاومت بر شفافیت سیاسی

در بسیاری از قوانین و متون حقوقی بر استقرار شفافیت تأکید شده است. با این حال، در مقام عمل مشاهده می‌شود که دولت‌ها و مقامات عمومی به اشکال مختلف در برابر این نوع شفافیت مقاومت می‌کنند که نتیجه آن ظهور انواع مختلفی از شفافیت‌های غیر استاندارد می‌گردد. عمده علل مقاومت دولت‌ها را در چند مورد می‌توان بررسی کرد. نخست: ماهیت رفتاری در ماندگاری فرهنگ پنهان کاری است. پنهان کاری عملی است که در طی آن یک پیام به گونه‌ای پنهان می‌شود که

وجود آن احساس نمی‌شود. (دنینگ، ۱۳۸۳: ۳۷۶) پنهان کاری، یک نسبت تاریخی برای کارگزاران دولتی است. کسانی که دارای قدرت هستند تمایل به پنهان کاری دارند، زیرا در رقابت و جنگ قدرت کسانی موفق‌ترند که از اطلاعات بیشتری برخوردارند. بنابراین، در این نوع رفتار، دولت‌ها به نام امنیت و پاسداری از استقلال کشور به کام حفظ قدرت و موقعیت خود، اطلاعات را تا جایی که ممکن است از دسترس عموم دور نگه می‌دارند. علت دوم ساختاری است. فرهنگ دیوان سالاری سازمان‌ها با ماهیت سلسله‌مراتبی و ضد ریسک نهادهای دولتی برای حفاظت از منابع‌شان و اجتناب از اقرار به اشتباهات و پاسخگویی به نهادهای ناظر و مردم و از بین رفتن اعتماد عمومی و جلب افکار عمومی و همچنین برای حفظ سود تفضیلی بر سازمان‌های دیگر باعث می‌شود تا دولت‌ها در مقابل شفافیت مقاومت کنند. (راسکوویر و وایلنیو، ۲۰۰۷: ۷). به عنوان مثال، بسیاری از سازمان‌های دولتی برای عدم پاسخگویی به نهادهای ناظر یا حفظ منابع خود، اطلاعات مالی و حساس خود را دور از دسترس عموم قرار می‌دهند، یا حتی برای فرار از مالیات اطلاعات ناکافی و غیرواقعی به اداره مالیات ارسال می‌کنند. سومین دلیل، کاملاً سیاسی است. شرایط امنیت جهانی، پس از واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، نه تنها مقاومت در برابر حق دسترسی به اطلاعات را افزایش داده، بلکه باعث کثرت توافقات بین‌المللی گردیده که احتمال محدودیت دسترسی به اطلاعات را قوت می‌بخشد.

اعتماد سیاسی

مردم برای رفع نیازهای خود، به خصوص برای تأمین امنیت و آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با حاکمیت دارند. این نیاز با پیشرفته‌تر شدن جوامع و افزایش تقسیم کار و گسترش نظام‌های دموکراسی روز به روز بیشتر می‌شود، به نحوی که امروزه جدایی کامل از نظام سیاسی غیر ممکن است. از طرفی دولت‌ها نیز به ارتباط با مردم نیاز دارند. بیشتر دولت‌های امروزی منتخب مردم هستند و دوام و بقای آن‌ها وابسته به حمایت و خواست مردم است که این امر بدون وجود اعتماد امکان‌پذیر نیست (شایگان، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۷۹) در مقابل اعتماد عمومی نسبت به دولت برای مدیران، کارکنان، کارگزاران هر نظام سیاسی

اهمیت دارد؛ زیرا پشتیبانی از تدوین و اجرای خط مشی‌های عمومی و همین‌طور همراهی و همکاری اثربخش شهروندان نقش محوری ایفا می‌کند. (زاهدی و خانباشی، ۱۳۹۰: ۷۳-۹۶) اعتماد سیاسی شهروندان به نخبگان حاکم و سیاست‌ها و خط مشی‌های آن‌ها از سرمایه‌های مهم اجتماعی برای نظام‌های دموکراتیک به شمار می‌رود که اکثر سیاستمداران در پی افزایش کمی و کیفی آن برای حل معضلات داخلی و بین‌المللی خود با هزینه‌های اندک هستند. (هرسیج، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۳۹) افزایش اعتماد سیاسی موجب تعامل بیشتر و بهتر بین مردم و دولت و مشارکت سیاسی مردم می‌شود و در عوض کاهش آن موجب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات (مگر به اجبار) عدم حمایت از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، فرار از پرداخت مالیات، سرایت بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های دولتی و در موارد حاد، موجب بحران مشروعیت می‌شود. به همین دلیل اعتماد سیاسی همیشه یکی از کانون‌های توجه مسئولان بوده و به روش‌های مختلف سعی در افزایش آن داشته‌اند (شایگان، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۵۳) اعتماد یک ساختار چند بعدی دارد که شامل اعتماد بین فردی، بین دو نفر، گروهی، سازمانی، بین سازمانی، اعتماد سیاسی، اجتماعی، اعتماد به همکار در محل کار، اعتماد بین ارشد و زیردست در محل کار و... است. (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۵) اعتماد عمومی باور مردم نسبت به رفتارها و اقدامات خاصی است که انتظار دارند از دولت ببینند. (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶) به عبارت دیگر اعتماد سیاسی یعنی انتظار عموم از دریافت مثبت پاسخ به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور عمومی و سیاسی. لذا اعتماد به عنوان مبنایی برای نظم اجتماعی در رشته‌ها و سطوح تحلیلی مختلف راه یافته است و یکی از محورهای اصلی نظریه‌های دولت و نظریه‌های سازمان دولتی در مدیریت دولتی است. (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۰: ۹) وقتی اعتماد شهروندان از بین برود، کارکنان بخش دولتی در انجام دادن وظایف شان با دشواری‌های بیشتری مواجه می‌شوند (دانایی فرد، ۱۳۸۷: ۷۶) همچنین با افول عمومی مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی، خط مشی‌گذاری کاهش می‌یابد (کارانف، ۱۹۹۷: ۳۰) اگر عامه مردم به نهادهای دولتی و

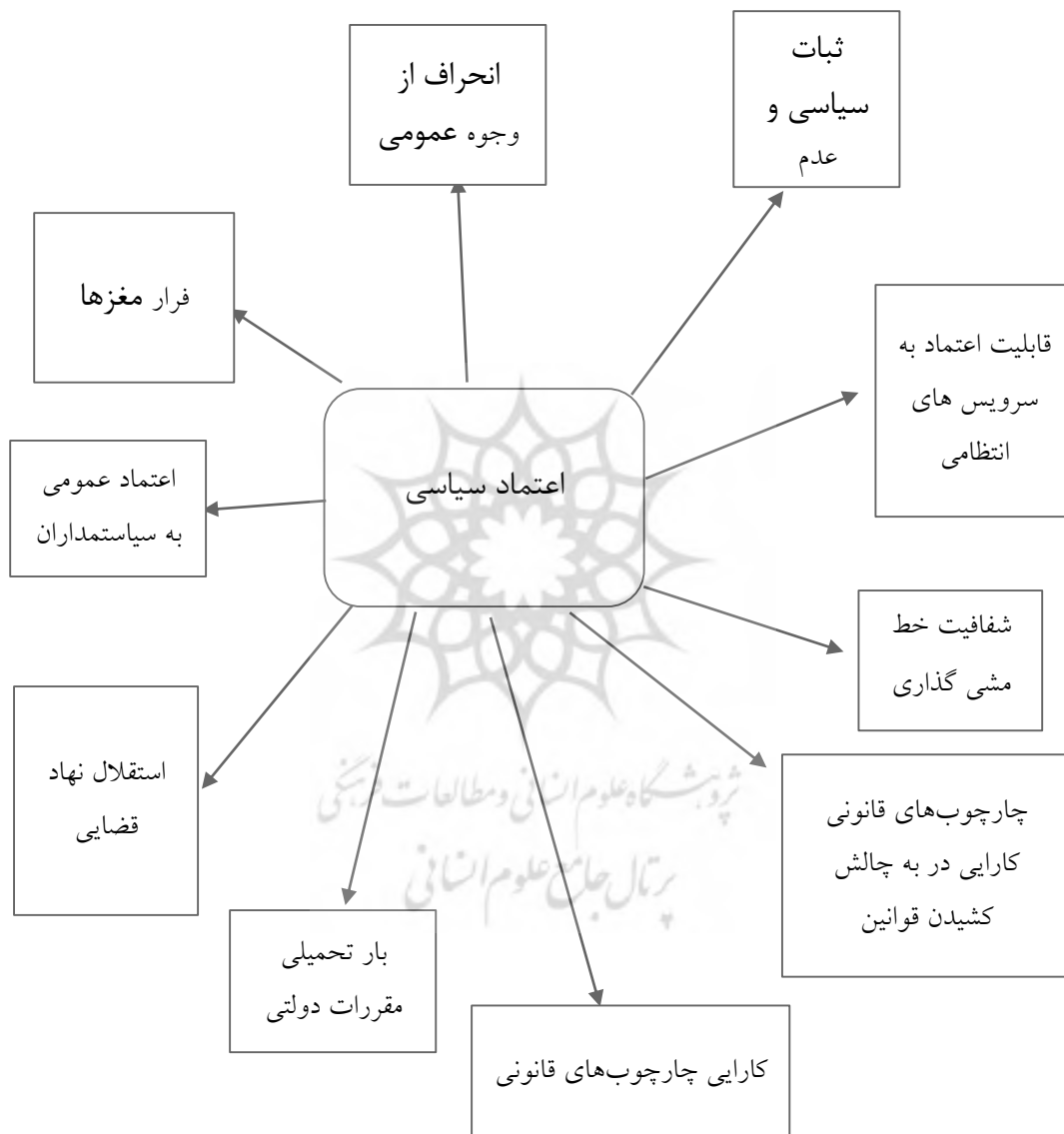
افراد منتخب و منصوب دولتی اعتماد نداشته باشند در اجرای تصمیم‌های دشوار، مخصوصاً تصمیم‌هایی که مستلزم ایثار و فداکاری است، همکاری نخواهند کرد. (دانایی فرد، ۱۳۸۷: ۸۵).

شکل شماره (۲) _ شاخص‌ها و متغیرهای اندازه‌گیری اعتماد سیاسی از نظر

دانشمندان

متغیر	نظریه پرداز
احساس مردم نسبت به سیاستمداران و خط مشی آنها	سپترین
گرایش به سمت رژیم سیاسی و سردمداران قدرت در جامعه	ایستون
حمایت از اجتماع سیاسی مانند ملت، کشور، قانون اساسی حمایت از امور اجرایی رژیم مانند دموکراسی حمایت از کنش‌گران سیاسی و نهادهای سیاسی مانند دولت، پارلمان، قوه قضائیه، بوروکراسی‌های و احزاب	نوریس
میزان اعتماد افراد به سیستم و نظام سیاسی میزان اعتقاد افراد به کارگزاران فعال در نظام سیاسی میزان اعتقاد افراد به نهادهای سیاسی	بریتزر
دینداری حکام و پیوند قومی آنها با مردم در جوامع سنتی تخصص، مهارت، توانایی کارگزاران سیاسی در جوامع مدرن	گیدنز

(زاهدی، ۱۳۹۰: ۹۶-۷۳)



کارکردهای اعتماد سیاسی

در خصوص کارکردهای اعتماد سیاسی سخن بسیار است که به لحاظ اختصار به موارد ذیل بسنده می‌شود: اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. در فضای مبتنی بر اعتماد، ابزارهایی چون زور و اجبار برای تضمین داد و ستد ها کارایی خود را از دست می‌دهد و در عوض قصد افراد برای باز پرداختها و اعتقاد به دستکاری افزایش می‌یابد. اعتماد کار بازار را رونق می‌بخشد، تمایل افراد را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش می‌دهد. اعتماد رضایت را جانشین اجبار می‌سازد. اعتماد پیش شرط عمده و کلیدی برای موجودیت هر جامعه محسوب می‌شود و برای حل مسائل اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. اعتماد پیش زمینه‌ای برای مشارکت سیاسی و تلاش‌های مبتکرانه و آمادگی برای پذیرش فناوری‌های جدید است. اعتماد از پایه‌های اصلی مشارکت است و کاهش آن زمینه را برای رشد انحرافات و افزایش جرائم و نابه سامانی و بی‌نظمی در جامعه فراهم می‌سازد. (قلی پور و پیران نژاد، ۱۳۸۷: ۲۳۵-۲۳۴) سطح اعتماد، تعیین کننده بسیاری از تفاوتها در پیشرفت اقتصادی بین کشورهاست. اعتماد عمومی میزان مشارکت عامه برای کمک به دولت در انجام امور، به ویژه مالیات و همکاری با بخش عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اعتماد نقش روابط غیر رسمی را ایفا می‌کند و منجر به نوعی وابستگی شدید به قوانین، رویه‌های رسمی، مقررات و قانون‌گرایی شدید می‌شود. اعتماد شهروندان به وزارت خانه‌ها و سازمان‌های خدمات عمومی تابعه و دیگر نهادهای سیاسی، پشتیبانی شهروندان از آنها را فراهم کرده و موجب می‌شود شهروندان تقاضاهای خود را از آنها به صورت معقولانه مطرح کنند. (دانایی فرد، ۱۳۸۲: ۳۲) جورج زیمل معتقد است «بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌شود بنابراین اعتماد یکی از مهم‌ترین نیروهای انسجام جامعه است» (قلی پور و پیران نژاد، ۱۳۸۷: ۲۳۶) به عقیده توماس هابس «اعتماد زندگی را آسان‌تر و امن‌تر می‌کند. اعتماد عمومی همبستگی مثبتی با اقتصاد سالم دارد. اعتماد بین دولت و ملت هزینه کنترل‌های اضافی را پایین می‌آورد و علاوه بر

مزایای اجتماعی، منافع اقتصادی نیز به دنبال دارد. (قلی پور و پیران نژاد، ۱۳۸۷: ۲۳۹)

اعتماد سیاسی و عوامل مرتبط با آن

بی شک عوامل متعددی را می‌توان در ارتباط با اعتماد عمومی لیست نمود. لذا سعی بر این است برخی از عوامل را به طور اجمالی معرفی کنیم:

۱_ پاسخ‌گویی و اعتماد سیاسی: از پیامدهای پاسخ‌گویی عمومی می‌تواند اعتماد عمومی شهروندان به دولت و سازمان‌های دولتی باشد. (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴) در واقع پاسخ‌گویی چون پلی عمل می‌کند که شکاف بین شهروندان و نمایندگان و نیز شکاف بین اداره‌کننده و اداره‌شونده را از بین می‌برد و منجر به افزایش مشروعیت و اعتماد سیاسی می‌شود. (منوریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵۶) دنیاهارت مدعی است که افول در پاسخ‌گویی به بی‌اعتمادی منجر می‌شود. بروز رفتار منفعت‌طلبانه از سوی مدیران و کارکنان دولت، اعتماد عمومی را مخدوش می‌سازد، پس برای این که مدیران و کارگزاران دولت نشان دهند که به منفعت عامه پایبند هستند باید پاسخ‌گویی را سرلوحه کار خویش قرار دهند. (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۰)

۲_ مشارکت عمومی و اعتماد سیاسی: مشارکت عمومی را می‌توان «میزان آگاهی و تمایل مردم برای دخالت و اثرگذاری بر خط‌مشی‌های عمومی، اداره امور عمومی و تعیین سرنوشت خود و کشور خود به صورت جمعی» تعریف کرد. باید توجه داشت که اعتماد سیاسی و مشارکت عمومی می‌تواند رابطه‌ی دو طرفه با یکدیگر داشته باشند. به این معنا که افزایش اعتماد عمومی منجر به افزایش مشارکت عمومی می‌شود. (منوریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۱)

۳_ عملکرد دولت‌ها و اعتماد سیاسی: ارائه خدمات عمومی بخشی از عملکرد دولت است و عامل مهمی است که باعث شکل‌گیری اعتماد شهروندان به دولت می‌شود. به گفته سیمز (۲۰۰۲) ادبیات موجود در اعتماد عمومی نسبت به دولت بیانگر نوعی رابطه یک به یک بین خدمات عمومی و سطوح اعتماد به دولت است. هرچه عملکرد دولت‌ها در ارائه خدمات عمومی به مردم بهتر باشد مردم اعتماد

بیشتری به آن‌ها خواهند داشت. اما با توجه به همه عوامل دیگر مؤثر بر اعتماد به دولت، تأثیرات مثبت در ارائه خدمات نسبت به دیگر عوامل بیشتر است. (دانایی فرد، ۱۳۸۲: ۶۷) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد بهتر خدمات عمومی سبب افزایش رضایتمندی شهروندان از خدمات عمومی می‌شود و در نتیجه به اعتماد بیشتر آن‌ها به خدمات عمومی و دولت می‌انجامد. (دانایی فرد، ۱۳۸۷: ۸۸)

۴_ فساد و اعتماد سیاسی: تحقیقات مختلف فساد را به عنوان یک بلای حتمی برای کشورها بیان کرده و پژوهشگران وجود فساد در دولت‌ها را امری اجتناب ناپذیر می‌دانند. به ویژه درباره توزیع منابع اقتصادی. پدیده فساد پیامدهای منفی بسیاری برای اقتصاد و سیاست در پی خواهد داشت. (خانباشی، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۲) از جمله پیامدهای فساد می‌توان به کاهش اثر بخشی و مشروعیت دولت‌ها و همچنین تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اداره سیاسی برای جلوگیری از زیاده طلبی‌ها و نیز قطع امید مردم به آینده بهتر اشاره نمود. (عباس زادگان، ۱۳۸۹: ۲۲) بنابراین کاهش فساد با حفظ و گسترش اعتماد در ارتباط مستقیم است. در هر صورت انتظار می‌رود که یک رابطه منفی قوی بین اعتماد سیاسی و فساد برقرار باشد یعنی هرچه میزان ادراک عمومی از فساد موجود پایین‌تر باشد میزان اعتماد سیاسی به دولت بالاتر است. (خانباشی، ۱۳۹۰: ۸۶)

۵_ شفافیت و اعتماد سیاسی: شفافیت به عنوان یکی از عناصر حکمرانی خوب از آن رو اهمیت دارد که جلب اعتماد سیاسی و عمومی به نظام حاکم، بدون وجود آن امکان پذیر نیست. در واقع وجود شفافیت شرط لازم برای کسب اعتماد عمومی نسبت به دستگاه حاکم و شیوه اداره کشور است. شفافیت روابط میان مقامات عمومی و عامه را توسعه می‌دهد تا میان اطلاعات ایجاد شده توسط دولت و آنچه در اختیار شهروندان است توازن برقرار نماید. اگر مردم از آنچه در جامعه در حال وقوع است اطلاع نداشته باشند و اقدامات حاکمان از دیده‌ها پنهان باشد، مردم قادر به ایفای نقش معنادار در امور اجتماعی نخواهند بود. (زندیه و سالارسروری، ۱۳۹۲: ۲۲) گریملخو حسن و میجر در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که شفافیت منجر به سطوح بالاتری از اعتماد ادراک شده خواهد شد. همچنین براساس نتایج این تحقیق

سوابق و تجارب قبلی و استعداد عمومی برای اعتماد می‌تواند در ارتباط بین شفافیت دولت و اعتماد به آن تأثیرگذار باشد. (گریملخوسن و میجر، ۲۰۱۴: ۱۳۷)

۶_ اقدامات غیراخلاقی و اعتماد سیاسی: در موقعیت‌هایی، قدرتی که مردم در اختیار مقامات منتخب خویش قرار داده‌اند، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. منابع دولتی گاهی برای تأمین منافع شخصی مقامات به کار می‌رود. تصمیم‌های غیر اخلاقی و گاهی اوقات غیر قانونی مقامات دولتی را می‌توان سوء استفاده از اعتماد عمومی تلقی کرد. (میچل، ۱۳۷۹: ۶۳)

۷_ عدالت و اعتماد سیاسی: تحقیقات، رابطه‌ی مثبتی بین عدالت ادراک شده و اعتماد مردم را نشان داده‌اند. قلی پور و پیران نژاد در بخشی از تحقیق خود به بررسی تأثیر ابعاد عدالت ادراک شده بر اعتماد عمومی پرداخته‌اند و نشان دادند که رفتارهای عادلانه اعتماد عمومی را تضمین می‌کند. (قلی پور و پیران نژاد، ۱۳۸۷: ۲۴۹)

نتیجه گیری

شفافیت یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب، بستری برای نظارت مردم بر عملکرد مسئولان می‌باشد که منجر به کاهش انحرافات و فساد از سوی مسئولان خواهد شد. حکومت‌ها اگر از نظر شفافیت سیاسی با توجه به قانون دسترسی آزاد مردم به اطلاعات که در این زمینه مصوب شده، در وضعیت مطلوبی قرار نگرفته باشند و همان‌طور که گفته شد بر اساس گزارش سازمان شفافیت در رتبه و شاخصی پایین قرار گرفته باشند این نشان دهنده سطح پایین شفافیت در کشورها می‌باشد. از طرف دیگر اعتماد سیاسی احساسی است که مردم نسبت به مسئولان خود و رهبران سیاسی دارند و هرچه این حس اعتماد به سازمان‌های حکومتی و سیاسی بیشتر باشد، کارکرد سازمان‌های حکومتی بهتر خواهد بود و مردم بیشتر با حکومت و رهبران تعامل و مشارکت دارند. پایین بودن سطح اعتماد سیاسی مردم به حکومت‌ها مورد توجه است. با توجه به این دو شاخص یعنی شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی مقاله‌ی حاضر در صدد پی بردن به رابطه‌ی این دو شاخص می‌باشد که کمتر توسط پژوهشگران و صاحب نظران و همچنین مسئولان مورد توجه قرار گرفته است. طبق پژوهش حاضر و مستندات پایین بودن در صد هر دو شاخصه‌ی شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی در حکومت‌ها رابطه متقابل این دو شاخصه را نشان می‌دهد. بنابراین اگر میزان شفافیت سیاسی در کشوری وضعیت مطلوبی ندارد و به همان میزان اعتماد سیاسی هم تنزل می‌یابد. حال با توجه به این چنین شرایطی یعنی کاهش شفافیت سیاسی و اعتماد سیاسی، نبود شفافیت در عرصه حکومت و حکمرانی، عدم دسترسی به اطلاعات آزاد توسط مردم، پنهان کاری مسئولان و عدم وجود قانون و نظارت قوی برای اجرای شفافیت را نتیجه‌ی کاهش اعتماد عمومی و سیاسی مردم به نظام‌های حاکم می‌توان دانست که کاهش مشارکت و تعامل و کارآمدی را به همراه دارد. شفافیت، روابط میان مقامات عمومی و عامه را توسعه می‌دهد تا میان اطلاعات ایجاد شده توسط دولت و آنچه در اختیار شهروندان است توازنی برقرار نماید. اگر مردم از آنچه در جامعه در حال وقوع است اطلاع نداشته باشند، مردم به ایفای نقش مؤثر و کارآمد خود و نیز مشارکت با

حکومت دست نخواهد زد و به همین ترتیب اعتماد سیاسی و عمومی آن‌ها نسبت به سیاست و جامعه کاهش خواهد یافت. پس با این وجود می‌توان به این نتیجه رسید که نسبت این دو شاخصه، مستقیم و متقابل و تنگاتنگ است که نبود شفافیت سیاسی و سطح پایین آن منجر به ناکارآمدی و نابهینگی سیستم حکومتی می‌شود و تعامل و همکاری و اعتماد مردم در حال کاهش است. ارائه راهکار برای حل این معضل و تقویت شاخصه‌ی شفافیت که در راستای آن اعتماد سیاسی نیز رونق یابد می‌تواند مسئله‌ی دیگری باشد که باید بررسی شود.



منابع

۱. الوانی، سیدمهدی و دانایی فرد، حسن (۱۳۸۰) الف، مدیریت دولتی و اعتماد عمومی، فصلنامه دانش مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، شماره ۵۵، صص ۲۷_۵
۲. الوانی، سیدمهدی و دانایی فرد، حسن (۱۳۸۰) ب، گفتارهایی در فلسفه تئوری‌های سازمان‌های دولتی، تهران: انتشارات صفار_ اشراقی
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۷). مفهوم مبانی و لوازم آزادی اطلاعات، نامه مفید، شماره ۶۱. صص ۱۳۷_ ۱۵۸
۴. خانباشی، محمد (۱۳۹۰). الگویی برای سنجش عوامل راهبردی محیطی تأثیرگذار بر اعتماد عمومی، رساله‌ی دوره دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی
۵. دانایی فرد، حسن (۱۳۸۲). اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی: طرحی مدنی برای تقویت اعتماد عمومی نسبت به مدیریت دولتی، رساله دوره دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی
۶. دنینگ، دی. ای (۱۳۸۳). حکمرانی خوب حاکمیت و حکومت در ایران، نشریه مجلات تحقیقی حقوقی، ۴۰.
۷. زاهدی، شمس السادات؛ خانباشی، محمد و رضایی، الهام (۱۳۹۰). افزایش اعتماد عمومی بر پایه ارتقای فرهنگ پاسخ‌گویی، پژوهش‌نامه مدیریت اجرایی، سال سوم، شماره ۵، صص ۹۴_۶۹
۸. زاهدی، شمس السادات و خانباشی، محمد (۱۳۹۰). از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۵۰، شماره ۴: ۹۶_۷۳
۹. زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴) اعتماد: یک نظریه‌ی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی فاطمه گلابی، تبریز: اتحاد
۱۰. زندیه و سالار سروری (۱۳۹۲). شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات، گنجینه اسناد، ۲۳
۱۱. شایگان، فریبا (۱۳۸۷) بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی. دانش سیاسی، دوره چهارم، شماره ۷: ۱۷۹_۱۵۳

۱۲. شهبازی، مهدی؛ درویش، حسن و زارعی، فرهاد (۱۳۹۱) تأثیر پاسخ‌گویی عمومی بر بهبود اعتماد عمومی شهروندان. فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، سال اول، شماره ۱، صص ۶۳-۵۳
۱۳. ضمیری، عبدالحسین؛ نصیری، حامد (۱۳۸۹) حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در سیاست جنایی، فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، صص ۱۰۳-۱۳۱
۱۴. عباس زادگان، سید محمد (۱۳۸۹) فساد اداری، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
۱۵. قلی پور، آرین و پیران نژاد، علی (۱۳۸۷) ارتقای اعتماد عمومی و دموکراسی الکترونیکی: تبیین نقش دولت الکترونیک، فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره دوازده، شماره ۱ (پیاپی) صص ۲۵۶-۲۱۹
۱۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹) سیاست نامه امام علی (ع). ترجمه مهدی مهریزی. قم: انتشارات دارالحدیث
۱۷. منوریان، عباس؛ نرگسیان، عباس؛ فتاحی، مهدی و واثق، بهار (۱۳۸۹). بررسی رابطه پاسخ‌گویی عمومی، مشارکت عمومی و اعتماد عمومی در سازمان‌های دولتی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۲۷۴-۲۵۹
۱۸. میچل، چارلز ای (۱۳۷۹)، سوء استفاده از اعتماد عمومی_ الزامات اخلاقی و معنوی مقامات دولتی. ترجمه حسن گیوریان، فصلنامه تحول اداری، شماره ۲۶، صص ۷۶-۶۲
۱۹. ناعمه، حسن (۱۳۹۰) شفافیت و مبارزه با فساد در انعقاد قراردادهای اداری ایران، نشریه مجلات تحقیقی حقوقی، ۴
۲۰. هرسیج، حسین (۱۳۸۳) کسری اعتماد سیاسی، ریشه‌ها و راهکارهای مقابله با آن در نظام مردم سالار دینی. دانشگاه آزاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۱ و ۲۲: صص ۲۶۴-۲۳۹
۲۱. یزدانی زنور، هرمز (۱۳۸۸) بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب، فصلنامه حقوق عمومی، شماره ۵، صص ۴۹-۷۰.

1. ARTICLE 19 (1999). The public's Right to know: Principles on Freedom of information Legislation, London: ARTICLE 19
2. Armstrong, E. (2005). Integrity, transparency and accountability in public administration: recent trends, regional and international developments and emerging issues, United Nations, Department of Economic and Social Affairs.
3. Chambers,S.(2004). Behind closed Doors: Publicity, Secrecy, and The Quality of Deliberation76
4. Christopher, H ; Transparency, D.(2006). The Key to Better Governance. oxford: oxford.university Press
Frankel, M.(2001). Freedom of Information and Corruption, Paper For the Global Forum on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity, The Campaign for Freedom of Information, from: www.cfoi.ogr.uk
<http://www.georgetown.edu/centers/cdacs/chambers.pdf>
5. Grimmelikhuijsen, S.G. Meijer, A.J.(2014), “Effects of Transparency on the Perceived Trustworthiness of a Government Organization: Evidence from an Online Experiment”, Journal of Public Administration Research and Theory, vol.24, no. 1,pp. 137-157.
6. Noblit GW, Hare RD. (1988) “Meta-ethnography:Synthesizing qualitative studies”. Newbury Park, CA: Sage.
7. Pasquier, M; Villeneuve, J.(2007). Organizational barriers to transparency: a typology and analysis of organizational behaviour tending to prevent or restrict access to information from <http://ras.sagepub.com/content/73/1/1>
8. Twomey, P. M. (1996). Freedom of expression for commercial actors. The European Union and Human Rights / Edited by Nanette A. Neuwahl and Allan Rosas.
9. UNDP.(2002). Country assessment in accountability and transparency

- (CONTACT)guidelines.http://www.undp.org/governance/contact_2001.htm (accessed 12 Apr. 2010).
10. Verhoeven, A.(2000). The Right to Information: A Fundamental Right Lecture at/EIPA, Maastricht, from <http://www.eipa.nl/publications/summaries/1997-2000workingpapers/conferenceproceedings/Amaryliss.pdf>77
11. Zimmer, L., “Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts”. *Journal of Advanced Nursing*, 53(3): p311–318, 2006





شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی